

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال دوازدهم، شماره سی و هفتم، زمستان ۱۳۹۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۱۰

تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۹/۲۷

صفحات: ۹۷-۱۱۹

## تأثیر جمهوری اسلامی ایران بر شکل‌گیری گروه جهاد اسلامی در فلسطین

دکتر حسین مسعودنیا\*

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

سعید قربانی تازه‌کندی\*\*

دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی گرایش اندیشه رهبران انقلاب دانشگاه شاهد تهران

### چکیده

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ منشأ تحولات عظیمی در منطقه و جهان گردید. این رویداد تأثیرات زیادی در بیداری مسلمانان جهان و احیای باورهای دینی داشت. از جمله گروه‌هایی که به‌صورت مستقیم تحت تأثیر انقلاب اسلامی شکل گرفت، گروه جهاد اسلامی در فلسطین بود، یکی از دستاوردهای انقلاب در منطقه و جهان، صدور انقلاب اسلامی است که در آن، جمهوری اسلامی ایران در چارچوب اصل دعوت، صدور انقلاب را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده است و حتی صدور انقلاب به‌عنوان یک اصل و هدف در سیاست خارجی درآمده است، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی الگوهای مختلفی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاکم شد که دیدگاه‌های متفاوتی در رابطه با صدور انقلاب داشتند، و با توجه به الگوهای صدور انقلاب، میزان و نوع حمایت از نهضت‌های اسلامی متفاوت بود، گروه جهادی فلسطین نیز یکی از این گروه‌های اسلامی است که در گفت‌وگوهای مختلف جمهوری اسلامی تحت تأثیر انقلاب اسلامی قرار گرفته است. در پژوهش زیر نویسنده درصدد است با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی روند تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران در گروه جهاد اسلامی فلسطین از آغاز شکل‌گیری جهاد اسلامی تا دوران سازندگی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد و سؤالی که نویسنده درصدد بررسی آن است این است که جمهوری اسلامی ایران در روند شکل‌گیری گروه جهاد اسلامی فلسطین چه تأثیری داشته است؟

**کلید واژگان:** صدور انقلاب، جهاد اسلامی فلسطین، انقلاب اسلامی، آرمان‌گرایی، سازندگی.

\* ایمیل: hmass2005@yahoo.com

\*\* نویسنده مسئول، ایمیل: shahadat10425@gmail.com

## مقدمه

پدیده صدور انقلاب یکی از پیامدهای هر انقلاب بزرگ تاریخ معاصر بوده است و در انقلاب اسلامی ایران نیز پیروز و نمود آشکاری یافته است. از آنجا که انقلاب اولین بار از ذهن بشر فراموش می‌کند می‌توان صدور انقلاب را در مرحله نخست یک ایده یا فکر نامید که به مردم دیگر جوامع بشری عرضه می‌شود. اما انقلاب در ذهن محدود نمی‌شود بلکه برای رسیدن به اهداف خود ناگزیر از ظهور در صحنه‌ی اجتماع و تغییر و تحول وضع موجود است و این مهم‌ترین وظیفه‌ی یک فرد انقلابی است که در این مرحله از چه شیوه و ابزاری برای دستیابی سریع‌تر و کم‌هزینه‌تر به اهداف و آرمان‌های انقلاب استفاده کند (نوزانی، ۱۳۸۸: ۴۶۰).

هر نظام انقلابی در بطن خود دارای یک سلسله آرمان‌ها و خواسته‌های عالی هست که برخاسته از نظریات رهبری انقلاب و یا انگیزه‌های ذاتی انقلاب است، انقلاب اسلامی ایران نیز پس از پیروزی، به دنبال کسب خواسته‌های آرمانی خود بود و اصل صدور انقلاب را در راستای توسعه و گسترش اهداف انقلاب به خارج مرزها، در پیش گرفت، بدون اینکه توجهی به نظام حاکم بر روابط بین‌الملل داشته باشد (خسروشاهی، ۱۳۹۲: ۵۱). فرآیندهای سیاست خارجی ایران همواره با نشانه‌هایی از تغییر و دگرگونی همراه بوده است، به‌طور کلی کشورهایی که از پویایی‌های امنیتی برخوردارند، خواهند توانست گفتمان‌های سیاست خارجی خود را متحول سازند. از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، بیش از سه دهه گذشته است، در این دوران می‌توان نشانه‌هایی از تحول، تغییر و دگرگونی در قالب‌های گفتمانی سیاست خارجی ایران را ملاحظه نمود (متقی، ۱۳۸۵: ۳۲).

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ منشأ تحولات عظیمی در منطقه و جهان گردید، این رویداد تأثیرات زیادی در بیداری مسلمانان جهان و احیای باورهای دینی داشت. از جمله گروه‌هایی که به صورت مستقیم تحت تأثیر انقلاب اسلامی شکل گرفت، گروه جهاد اسلامی در فلسطین بود، گروه جهاد اسلامی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی شاخه‌ای از اخوان المسلمین بود و هنوز از آن جدا نشده بود و در این موقع گروه‌های مختلف یا به سمت غرب گرایش پیدا می‌کردند یا به سمت شرق، ولی با پیروزی انقلاب اسلامی ثابت شد که اسلام بهترین عامل هویت‌ساز و ایجاد ایدئولوژی مقتدر برای گروه‌های اسلامی است که در نتیجه با الهام‌گیری از انقلاب اسلامی

جهاد اسلامی فلسطین شکل گرفت و با ایدئولوژی اسلامی به مبارزه علیه اسرائیل پرداخت. نویسندگان درصدد است که تأثیر جمهوری اسلامی ایران بر روند شکل‌گیری گروه جهاد اسلامی فلسطین تا دوران سازندگی را با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار دهد و سؤالی که برای این پژوهش مطرح است این است که جمهوری اسلامی ایران در روند شکل‌گیری گروه جهاد اسلامی تا دوران سازندگی چه تأثیری داشته است؟

### ۱. مبانی نظری: نظریه بحران هویتی دکمجیان

مبانی نظری پژوهش حاضر درباره‌ی ظهور جنبش‌های اسلامی بر اساس نظریه‌ی هریر دکمجیان استوار است، وی رستاخیز اسلامی را یک حرکت ادواری می‌داند که در طول تاریخ جوامع اسلامی، به‌ویژه در دورانی که یک بحران فراگیر جامعه را در برمی‌گرفته روی داده است (غفاری، ۱۳۹۱: ۵۰) در تاریخ اسلام، وقوع رستاخیز و تجدید حیات بنیادگرایانه، بیشتر همراه با دوران آشفتگی بزرگ بوده که در اثر آن موجودیت جامعه‌ی اسلامی و یا وحدت و انسجام روحی آن در معرض تهدید و خطر قرار گرفته است (دکمجیان، ۱۳۶۶: ۱۷).

پس از درهم شکستن قدرت امپراتوری عثمانی، که عنوان اسلامی را اساس مشروعیت سیاسی خود ساخته بود، جوانان، روشنفکران، رهبران قبیله‌ای و قومی عرب نوید عصر جدیدی از حکومت متحد و مستقل عربی را دادند، اما این خوش‌بینی مدت زیادی به‌طور نینجامید و سلطه‌ی قدرت‌های غربی بر سرزمین‌های عرب پس از جنگ اول، و آنگاه تقسیم آن به کشورهای کوچک و بزرگ مختلف، یأس و ناامیدی را در میان اعراب حاکم کرد، این روند هنگامی به اوج خود رسید که دار و دسته‌ی کوچکی از یهودیان ساکن فلسطین به کمک امپریالیسم غرب، توانستند سرزمین آباء و اجدادی فلسطینی‌ها را به تصرف درآورده و دولت اسرائیل را در ۱۹۴۸ به وجود آورد.

عبدالنصر و گسترش نهضت او به سایر نقاط جهان عرب از یک‌طرف و ظهور سوسیالیسم عربی تحت رهبری حزب بعث از طرف دیگر، بار دیگر این شور و اشتیاق را در میان جوانان عرب به وجود آورد که می‌توان با توسل بدین حرکت فکری و سیاسی جدید، بر مشکلات موجود فائق آمده و با دست‌یازی به وحدت عربی و سوسیالیسم بعثی-ناصری، راه غلبه بر اسرائیل و برپایی نظام عادلانه‌ی اقتصادی-سیاسی عاری از استثمار و دیکتاتوری در جهان عرب را هموار، اما این

شور و اشتیاق چندان دوام نیاورد، شکست ۱۹۶۷ اعراب از اسرائیل و مرگ ناصر در ۱۹۷۰، زمینه‌ی زوال سریع‌تر تفکرات پان عربیستی و تلاشی جدید برای یک ایدئولوژی جانشین را فراهم کرد، در واقع، تا اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ سیر نشیب و فراز ایدئولوژیکی عرب دور کامل خود را طی کرده بود، متفکران و سیاستمداران عربی در عرض سه ربع قرن گذشته انواع ایدئولوژی‌های بومی و غربی را در نظام‌های سیاسی را آزمایش کرده و نتایج ناخوشایندی گرفته بودند (دکم‌جیان، ۱۳۶۶: ۴۶). شکاف روزافزون میان کشورهای عربی و گسترش مشاجرات میان آن‌ها بر سر مسائل ارضی و منافع گروهی، و علاوه بر آن ایجاد فاصله‌ی طبقاتی عظیم میان اقشار جامعه بر اثر سیاست‌های اقتصادی دولت‌های عرب و نیز ادامه‌ی سیاست سرکوب و فشار و اعمال دیکتاتوری علیه آزادی خواهان، بار دیگر باعث سرخوردگی جوانان و روشنفکران عرب شد (دکم‌جیان، ۱۳۶۶: ۱۳).

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی<sup>(۵)</sup> به عنوان یک عالم و مرجع روحانی و دینی، جنبه‌ی سیاسی و عملی یافته است، مبارزات فلسطین که تاکنون دو بعد سیاسی و نظامی داشت و توأم با اندیشه‌ی ناسیونالیستی بود، اکنون دارای بعد اعتقادی با وجهه اسلامی گردیده است و به گفته‌ی دکتر فتحی شقاقی، دبیر کل جهاد اسلامی فلسطین، پیروزی انقلاب اسلامی، اعتماد به ایدئولوژی و دین را به مسلمانان سراسر جهان بازگرداند و ثابت کرد که اسلام نیرویی شکست‌ناپذیر است و اسلام نیروی قیام و جوشش را در مردم فلسطین زنده کرد، با حرکت مردمی انتفاضه در فلسطین حتی آنان که هنوز تحت تأثیر ناسیونالیسم عربی هستند به اسلام به چشم یک منبع انرژی و وسیله‌ی اتحاد میان همه‌ی اعراب برای نجات فلسطین می‌نگرند و برخی هم صادقانه به تجدیدنظر در اندیشه‌های خویش پرداخته‌اند (خمینی، ۱۳۷۳: ۲۳۰).

با آغاز دهه ۱۹۸۰ به‌طور کاملاً محسوس، گرایش‌ها اسلامی در فلسطین رو به رشد گذاشت، جنبش اسلامی فلسطین معتقد است که سازمان آزادی‌بخش فلسطین نیروی محرکه‌ی خود را برای مبارزه با اسرائیل و آزادی تمام فلسطین از دست داده و سرخوردگی مردم و به‌ویژه قشر جوان فلسطینی از جنبش‌های ناسیونالیستی و چپ‌گرا، فشارهای غیرقابل تحمل از جانب رژیم اسرائیل و هم‌چنین عدم اطمینان آن‌ها به رژیم‌های عرب در حمایت از قضیه‌ی فلسطین، باعث گرایش شدید مردم فلسطین به سوی جنبش انقلابی - اسلامی در فلسطین شده است (کدیور،

۱۳۷۲: ۱۸). از این منظر، خیزش‌ها و جنبش‌های اسلامی در کشورهای مسلمان به سرعت جای نهضت‌های مارکسیستی، سوسیالیستی، ناسیونالیستی و لیبرالیستی را گرفت به‌عنوان تنها راه نجات ملت‌ها از سلطه امپریالیزم، مقبولیت عمومی پیدا کرد، پان‌عربیسم، پان‌ترکیسم و پان‌ایرانیسم که امواج زیادی در جهان اسلام ایجاد کرده بود، با پیروزی انقلاب ایران بر پایه‌ی ارزش‌های اسلامی، رنگ باخت و در واقع به پایان راه خود رسیدند (محمدی، ۱۳۸۵: ۹۶). نتیجه‌ی مطالعاتی نشان می‌دهد که در نتیجه‌ی عدم کارایی ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی و سوسیالیستی، فلسطینی‌ها بیشترین اقبال را به احیا و تقویت هویت اسلامی خود نشان داده‌اند و گروه‌های مقاوم نیز در مبارزه خود علیه دشمن اشغالگر موفقیت‌هایی را کسب کرده‌اند. از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به دستاوردهای انتفاضه‌ی اول، انتفاضه‌ی مسجدالاقصی و مقاومت گروه‌های حماس و جهاد اسلامی در جنگ ۲۲ روزه و همچنین حمایت دنیای اسلام از آن‌ها اشاره کرد (غفاری، ۱۳۹۱: ۴۷).

نویسنده در این مقاله درصدد است که با استفاده از مبانی نظری بحران هویتی دکم‌جیان فرآیند شکل‌گیری گروه جهاد اسلامی تا دوران سازندگی را مورد بررسی قرار دهد.

## ۲. شکل‌گیری جهاد اسلامی

سازمان جهاد اسلامی در اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ توسط فتحی شقاقی و عبدالعزیز شکل گرفت (Zuhur, 2008: 26). سازمان جهاد اسلامی فلسطین که دکتر فتحی شقاقی آن را پایه‌گذاری کرد، سازمان سیاسی و نظامی فلسطینی است که اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ با هدف از میان بردن رژیم اسرائیل از طریق مبارزه‌ی مسلحانه و برپایی کشوری به نام فلسطین با حکومت اسلامی تشکیل شد. هرچند جهاد اسلامی یکی از مشهورترین گروه‌های نظامی فلسطینی است، اما یک سازمان نسبتاً کوچک و حاشیه‌ای محسوب می‌شود، مواضع جهاد اسلامی از حماس تندتر است. بعد از شهادت فتحی شقاقی، رمضان عبدالله شلح دبیر کلی این گروه را بر عهده می‌گیرد که مقر آن سوریه (دمشق) است. اگرچه این جنبش سنی مذهب است، اما از انقلاب اسلامی ایران که به برپایی حکومت دینی منجر شد، تأثیر زیادی گرفته است (پور قیومی، ۱۳۸۸: ۹۸).

درواقع جنبش جهاد اسلامی فلسطین رسماً در سال ۱۹۸۰ توسط دو تن از جوانان فلسطینی غزه به نام‌های فتحی شقاقی و عبدالعزیز عوده تأسیس شد که به شرح مختصری در رابطه با آن‌ها

پرداخته می‌شود:

#### الف. فتحی شقاقی

خانواده‌ی فتحی شقاقی که یکی از مهم‌ترین تنوریسین‌های جنبش جهاد اسلامی فلسطین به شمار می‌رود، در روستای زرنوقه از توابع شهرستان الرمله فلسطین سکونت داشته است. فتحی تحصیلات دانشگاهی‌اش را در دانشگاه بیرزیت کرانه باختری در رشته‌ی ریاضیات سپری کرده و به تدریس روی آورده است.

فتحی علاوه بر دریافت مدرک دانشگاهی در رشته‌ی ریاضیات مجدداً در کنکور پزشکی شرکت کرده و توانسته است به دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه زقاریق مصر راه یابد. وی پس از طی کردن دوره تحصیلات پزشکی به فلسطین اشغالی مراجعت کرد و در بیمارستان مطلع شهر قدس به کار طبابت مشغول شد، دکتر فتحی سپس به باریکه غزه انتقال یافت و در یکی از بیمارستان‌های منطقه سرگرم کار طبابت گردید، الشقاقی به هنگام ادامه تحصیل در مصر در سال ۱۹۷۸ دو بار دستگیر و زندانی شد، کما این که در سال ۱۹۸۳ به مدت یازده ماه در غزه زندانی بود. شقاقی مجدداً در سال ۱۹۸۶ دستگیر و به چهار سال حبس قطعی و پنج سال حبس تعلیقی محکوم شد، اتهاماتی که از سوی مقامات اسرائیلی به وی وارد شده بود عبارت‌اند از: عضویت در جنبش جهاد اسلامی، حمل و نقل اسلحه به باریکه غزه و تحریک مردم به شورش بر ضد کشور اسرائیل.

در تاریخ اول اوت ۱۹۸۸ و قبل از انقضای مدت محکومیتش، مقامات اسرائیلی، الشقاقی را آزاد کرده و مستقیماً از زندان به خارج سرزمین‌های اشغالی تبعید کردند با این سیاست که دیگر زمینه برای فعالیت شقاقی نباشد ولی فتحی شقاقی در حالت تبعید هم‌دست از فعالیت خود برداشت و با روندها و ترفندهای مختلف به مبارزه با اسرائیل پرداخت و اسرائیل که تاب فعالیت‌های ابراهیم شقاقی را نداشت اقدام به ترور ایشان کرد. چهارم آبان سال ۱۳۷۴ در جزیره مالت یکی از عناصر موساد با سلاح کمربندی پنج گلوله به یکی از اندیشمندان و رهبران بزرگ تاریخ فلسطین فتحی شقاقی شلیک و او را شهید کرد.

#### ب. عبدالعزیز عوده

اما درباره عبدالعزیز عوده، آنچه به طور رسمی بیان شده این است که خانواده‌ی وی در سال ۱۹۴۸ از منطقه‌ی وادی الحسا از توابع شهرستان بترالسبع فلسطین اشغالی هجرت کرد و در

اردوگاه آوارگان جبالیا در نوار غزه مسکن گزید. شیخ عوده تحصیلات دانشگاهی‌اش را در مدرسه عالی دارالعلوم قاهره پشت سر گذاشت و به درجه‌ی لیسانس در رشته‌ی علوم اسلامی و عربی نائل آمد، هنگامی‌که در سال ۱۹۸۱ به باریکه غزه مراجعت کرد به کار تدریس در دانشگاه اسلامی غزه مشغول شد، در سال ۱۹۸۴ مقامات اسرائیلی اقدام به دستگیری عوده کرده و به اتهام تحریک و شورش علیه اسرائیل او را به یازده ماه زندان محکوم کردند، در نوامبر ۱۹۸۷ مقامات اسرائیلی طی فرمانی شیخ عبدالعزیز عوده را از میهنش تبعید کردند (ابوعمر، ۱۳۷۳: ۱۵۹). رژیم اسرائیل که تاب تحمل اقدامات افرادی مثل عوده را نداشت بنابراین همیشه به دنبال حذف چنین افرادی از صحنه‌ی سیاسی بود تا برای اقدامات خود مانعی نداشته باشد، از جمله‌ی این شخصیت‌ها، عبدالعزیز عوده بود. ولی عبدالعزیز عوده هم مثل شقاقی به فعالیت‌های ضد اسرائیلی خود ادامه داد و تا آخر در این مسیر بود.

جنبش جهاد اسلامی مواضع بنیادپیش را در خصوص مسأله‌ی جهاد در فلسطین از سه محور اساسی الهام می‌گیرد، این محورها عبارت‌اند از: ۱- انقلاب اسلامی ایران، ۲- میراث اخوان المسلمین (به‌ویژه ادبیات سید قطب) و ۳- تجربیات سازمان جهاد اسلامی مصر (ابوعمر، ۱۳۷۳: ۱۷۵). به‌طور کلی جنبش جهاد اسلامی، افکار و اعتقادات ایدئولوژی و سیاسی خود را از میراث‌های دینی و فرهنگی اسلام الهام می‌گیرد، با وجودی که سه تن از شخصیت‌های اندیشمند اسلامی به نام‌های حسن البنا و سید قطب و شیخ عزالدین قسام مصدر فکر و اندیشه رهبران و پیروان جنبش اسلامی را تشکیل می‌دهند، مع‌ذالک انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی از اهمیت خاصی در طرز فکر ایدئولوژی جنبش جهاد اسلامی برخوردار می‌باشند، این جنبش، حسن البنا را به‌عنوان یک رهبر اسلامی می‌داند که توانسته است یک رستاخیز اسلامی به خود بیاورد و میان دو گرایش و دو طرز فکر اسلامی سلفی‌گری و دیگری اصلاحی نوعی تلفیق و هماهنگی ایجاد نماید، حسن البنا از این نظر برای جنبش اسلامی حائز اهمیت است که در آغاز حرکت احیای اسلامی‌اش توانسته بود روی سه محور اساسی تکیه داشته باشد: محور نخست رستاخیز اسلامی، محور دوم سازماندهی، محور سوم تعلیم و تربیت. عملکرد حسن البنا و نقش‌های گوناگونی که ایفا می‌کرده به‌طور مساوی برای اخوان المسلمین و جنبش جهاد اسلامی الهام‌بخش می‌باشد اوست که جماعت اخوان المسلمین را به وجود آورده، و چارت تشکیلاتی و سازمانی‌اش را بنیان نهاده، و

معانی و مفاهیم و اهداف و ابزارهای دعوت اسلامی را مشخص ساخته است. و بر تمامی رهنمودها و خطامشی‌ها و اجراییات این سازمان نظارت و اشراف داشته است.

سید قطب نیز به خاطر داشتن توانائی‌های فکری و اعتقادی، و توانمندیش در امر گوشزد کردن و مجسم ساختن خطرات و تهدیداتی که امت اسلامی با آن روبه‌روست و ارائه طرح‌ها و راه‌های عملی مقابله با این تهدیدات توانسته است جایگاه خاصی در تصورات جنبش‌ها اسلامی برای خودش حفظ کند، موضع‌گیری‌های اعتراض‌آمیز و سازش‌ناپذیر سید قطب در مثال زمامداران و حاکمان مستبد در مقایسه با موضع‌گیری‌های انعطاف‌پذیر حسن البنا، موجب گردید برای طرفداران گرایش‌ها رادیکالیم اسلامی انقلابی به‌صورت یک الگوی اصول‌گرایی به تمام معنی درآید هرچند که بخواهیم مواضع انعطاف‌پذیر حسن البنا را مواضع تاکتیکی تعبیر کنیم. همان‌طور که سید قطب در دوران حیات خود توانست طرز فکر و گرایش نوینی را در درون سازمان اخوان المسلمین مصر رهبری کند، امروز هم جنبش جهاد اسلامی مدعی است که همان نقش گذشته قطب را دنبال می‌کند، در حقیقت، گفتارها و نوشتارهای سید قطب به‌وضوح در حرکت و عملکرد و رفتار جنبش جهاد اسلامی به‌وضوح تجلی می‌یابد (ابو عمرو، ۱۳۷۳: ۱۲۶-۷).

شیخ عزالدین قسام به‌عنوان نخستین سمبل فلسفه وجودی و جهادی جنبش جهاد اسلامی نامیده می‌شود، نظر به این‌که جنبش جهاد اسلامی فلسطین در مرحله‌ی حاضر اولویت را به مساله‌ی جهاد در فلسطین می‌دهد، عزالدین قسام را به‌عنوان مصدر الهام‌بخش و نخستین پیشتاز جنبش جهادی فلسطین، و اولین رهبر انتفاضه مسلحانه فلسطین در تاریخ معاصر این سرزمین، و بنیان‌گذار واقعی انقلاب مسلح فلسطین معرفی می‌کند، کما اینکه الجهاد، عزالدین قسام را به مولانا شیخ عزالدین قسام خطاب می‌کنند (ابو عمرو، ۱۳۷۳: ۱۶۹).

اما در مورد اثرات و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر فکر و ایدئولوژی جنبش جهاد اسلامی فلسطین، باید گفت که انقلاب اسلامی در زمینه‌های تئوری و عمل برای جنبش جهاد منبع فکر و الهام بوده است به‌طوری‌که بنیان‌گذاران جنبش جهاد از همان ابتدا سعی می‌کردند اندیشه‌ها و رهنمودهای امام خمینی را بپذیرند و به فرمان‌ها وی عمل کنند، از نظر بنیان‌گذاران الجهاد، امام خمینی نه فقط سمبل و الهام‌بخش و رهبر انقلاب اسلامی ایران است، بلکه در همه‌جا این مشخصات را دارد (ابو عمرو، ۱۳۷۳: ۱۷۴) همین‌طور رهبران الجهاد کوشیدند از تجربیات انقلاب



اسلامی ایران درس بگیرند و این تجربیات را در صحنه فلسطین پیاده کنند، از دیدگاه جنبش جهاد اسلامی تا قبل از پیروزی انقلاب در ایران، اسلام از صحنه مبارزه و رویارویی دور بوده است، لذا با پیروزی انقلاب اسلامی این مساله روشن شد که اسلام تنها راه حل بوده و جهاد بهترین شیوه مناسب هست، دین اسلام از نظر امام خمینی همان دینی است که مجاهدان حق جو و عدالت طلب، خواهان آن می‌باشند، دین کسانی که خواستار آزادی و استقلال هستند (ابو عمرو، ۱۳۷۳: ۱۷۴).

به موازات رشد حرکت انقلابی در ایران، جنبش‌های رادیکال اسلامی نظامی در میان ایدئولوژی‌های سنی که از اخوان المسلمین پیروی می‌کردند، پیدایش یافت. از جمله آن‌ها سازمان جهاد اسلامی بود که در اوایل دهه‌ی ۸۰م توسط دو تن از جوانان فلسطین غزه به نام‌های دکتر فتحی شقاقی و شیخ عبدالعزیز عوده و با سرمشق قرار دادن ایدئولوژی امام خمینی<sup>(۶)</sup> در فلسطین اشغالی شکل گرفت. توضیح آن که سازمان جهاد اسلامی فلسطین که قبل از شکل‌گیری، شاخه‌ای از اخوان المسلمین مصر بود، در غزه به فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی می‌پرداخت اما از آنجاکه مبارزه با اسرائیل‌ها به‌طور جدی در برنامه و دستور کار اخوان قرار نداشت، بنابراین جوانان انقلابی که خواهان مبارزه‌ی عملی و مسلحانه با رژیم اسرائیل بودند، به گروه‌های مختلف نظامی فلسطین از جمله الفتح روی آوردند. این گروه‌ها که دارای تفکرات و گرایش‌های سوسیالیستی و یا ملی‌گرایانه بودند و تمایلات اسلامی در آن‌ها کم‌تر مشاهده می‌شد، جوانان انقلابی مسلمان را که پیش از آن در اخوان المسلمین فعالیت داشتند، سرخورده و سردرگم کرد، شکست مبارزه‌ی مسلحانه با اسرائیل با انگیزه‌ها و شیوه‌های سوسیالیستی و ملی‌گرایی، عامل مهمی در سردرگمی بیش‌تر این عده از جوانان بود، اما پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، این امید را در دل آن‌ها زنده کرد که می‌توان با بهره‌برداری از اسلام و تعلیم آن و با تکیه بر انگیزه و ایمان قوی اسلامی، فصل جدیدی از مبارزه با رژیم اسرائیل را آغاز کرد. به عبارت دیگر، با پیروزی انقلاب، بنیان‌گذاران جهاد تلاش کردند از درس‌های انقلاب اسلامی در ایران الهام بگیرند و سعی نمودند تا آن را با عرصه‌ی سیاسی در فلسطین سازگار کنند. بنابراین، با تأسیس جنبش جهاد اسلامی در فلسطین، تصویر جدیدی از اسلام سیاسی در آن سرزمین ظاهر شد (محمدی، ۱۳۸۵: ۲۵۹). سازمان جهاد اسلامی، به مبارزه‌ی مسلحانه به عنوان استراتژی کار سیاسی ایمان دارد، نشریات این گروه نشان می‌دهد که جهاد اسلامی به اجرای

قوانین اسلامی در جامعه، پس از برپایی حکومت اسلامی در فلسطین پایبند است، این امر نابودی کامل حاکمیت اسرائیل و موجودیت اسرائیل و در نتیجه تقدم بخشیدن به این هدف را اقتضاء می‌کند که تنها با اقدام مسلحانه و تلاش جهادی علیه نیروهای اشغالگر تحقق می‌یابد (خسروشاهی، ۱۳۷۵: ۲۰۷).

### ۳. جنبش جهاد اسلامی و انقلاب اسلامی

سازمان جهاد اسلامی فلسطین که ابتدا و قبل از شکل‌گیری، شاخه‌ای از اخوان المسلمین مصر بود، در غزه به فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی می‌پرداخت، از آنجاکه مبارزه با اسرائیل‌ها به‌طور جدی در برنامه و دستور کار اخوان قرار نداشت، بنابراین جوانان انقلابی که خواهان مبارزه عملی و مسلحانه با رژیم اسرائیل بودند به گروه‌های مختلف نظامی فلسطینی از جمله الفتح روی می‌آوردند، اما این گروه‌های که دارای تفکرات و گرایش‌های سوسیالیستی و یا ملی‌گرا بودند و تمایلات اسلامی در آن‌ها کمتر مشاهده می‌گردید، جوانان انقلابی مسلمان را که پیش از آن در اخوان المسلمین فعالیت می‌کردند، سرخورده و سردرگم کرد. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، این امید را در دل آن‌ها زنده کرد که می‌توان با بهره‌برداری از اسلام و تعالیم آن و با تکیه بر انگیزه و ایمان قوی اسلامی، فصل جدیدی در مبارزه با رژیم اسرائیل آغاز کرد، به‌عبارت‌دیگر با پیروزی انقلاب، بنیان‌گذاران جهاد تلاش کردند از درس‌های انقلاب اسلامی در ایران الهام بگیرند و تلاش کردند تا آن را بر عرصه‌ی فلسطین تطبیق دهند (محمدی، ۱۳۸۵: ۲۵۹).

به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی ایران و جهت‌گیری آزادی‌خواهانه و ضد اسرائیلی آن که به قطع روابط استراتژیک و دیپلماتیک با اسرائیل به‌عنوان نماد اسرائیل، و نیز برقراری اتحادها سوریه و تقویت حزب‌الله لبنان و هم‌چنین به تلاش برای ایجاد همبستگی میان کشورهای اسلامی در مبارزه با اسرائیل انجامید، ایران که پیش از انقلاب اسلامی، یکی از کشورهای حافظ منافع رژیم اسرائیل بود پس از پیروزی انقلاب، کانون مبارزه با اسرائیل گردید و این کشور قلب تپنده مقاومت اسلامی علیه اسرائیل شد و پرچم مبارزه‌ای که سران کشورهای عربی با امضاء پیمان کمپ دیوید به زمین گذارده بودند، امام با ایهت و شهادت تمام به دست گرفتند و به مبارزات ملت فلسطین هویت اسلامی بخشیدند (محمدی، ۱۳۸۳: ۱۳۶). یکی از شعارهای اولیه در نهضت

امام خمینی<sup>(ه)</sup> مسالهی دفاع از مظلومان بود که مساله فلسطین و حمایت از فلسطینیان در صدد این هدف قرار داشت، زیرا که انقلاب اسلامی ایران بر باورهای اسلامی مردم استوار و مسالهی فلسطین جزئی از این باورها بود (محمدی، ۱۳۸۵: ۲۵۰).

حمایت از مظلوم و دفاع از سرزمین‌های مقدس اسلامی، از اهدافی بودند که زمینه تأثیرپذیری انقلاب اسلامی را در جهان اسلام به وجود می‌آورد، وقوع انقلاب اسلامی به اصول مشترک مسلمانان نمود بیشتری بخشید و بر تأثیرگذاری در زمینه آرمان‌ها و اهداف خود بر کشورها و نهضت‌های اسلامی چون فلسطین افزود، علمای اسلام همواره با یادآوری خطر اسرائیل بر دفاع از فلسطین و مردم مظلوم آن سرزمین تأکید نموده‌اند (محمدی، ۱۳۸۵: ۲۵۲). در نتیجه، موجی از امید در دل جنبش‌های مقاومت فلسطین پدیدار گردید که به رشد و استحکام آنان منجر گردید. از جمله‌ی این جنبش‌ها، جنبش جهاد اسلامی است که با الهام‌گیری از انقلاب اسلامی ایران تأسیس شد و همواره نقش بسیار مؤثری در مبارزه با اسرائیل ایفا کرده است. این جنبش با اقدام‌هایی نظیر هدایت انتفاضه، عملیات چریکی و استشهادی علیه اهداف و منافع رژیم اسرائیل و سازمان‌دهی مردم فلسطین برای مخالفت با روند صلح، یک عامل مؤثر بازدارنده در روند صلح به شمار آمده است (دارا و بهیاری‌مقدم، ۱۳۸۸: ۱۲۶). انقلاب اسلامی ایران به اعتراف موافقان و مخالفان از شاخص‌ترین انقلاب‌های جهان به شمار می‌آید که تأثیراتی بس شگرف و عمیق بر حوزه‌ی داخلی ایران و نظام بین‌الملل گذاشته است، در واقع، انقلاب اسلامی ضمن تحول در نظام سیاسی اجتماعی داخل، موجب بروز نوعی بیداری و احیای اسلامی در سطح جهان، آن‌هم مبتنی بر اندیشه‌ی بازگشت به ایدئولوژی و مکتب اسلام شد و موجی از امید را در میان جوانان و گروه‌های مبارز به‌ویژه مبارزان اسلامی به وجود آورد. از جمله گروه‌های مبارز اسلامی که به‌شدت تحت تأثیر اندیشه‌های انقلابی ایران اسلامی قرار گرفت، جنبش جهاد اسلامی فلسطین و حماس بود که با الهام گرفتن از انقلاب اسلامی شکل گرفتند و مبارزه (انتفاضه) با اسرائیل را سرلوحه‌ی مبارزات خویش قرار دادند (دارا و بهیاری‌مقدم، ۱۳۸۸: ۱۱۳) مهم‌ترین ویژگی انقلاب ایران، اسلامی بودن آن است، بدیهی است، دین‌خاستگاه انقلاب بوده است و رهبری حضرت امام خمینی<sup>(ه)</sup> مهم‌ترین عامل پیروزی انقلاب به شمار می‌رود، تأثیر انقلاب بر جوامع اسلامی، حقیقتی ملموس و روشن؛ در این میان فلسطین از تأثر بیشتری برخوردار

است (امینی مقدس، ۱۳۷۸: ۹۳) در میان فلسطینی‌ها، در حال حاضر دو گروه اصلی «جهاد اسلامی» و «حماسی» حضور دارند که هر دو در سالهای دهه‌ی ۱۹۸۰ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اعلام موجودیت کردند، در این میان، جهاد اسلامی آشکارا از انقلاب اسلامی دفاع می‌کند و خواستار الگو گرفتن فلسطینی‌ها از حرکت مردم ایران است (ملکوتیان، ۱۳۸۴: ۸۴). از جمله‌ی این گروه‌ها جهاد اسلامی است، جهاد اسلامی، اندیشه و عمل خود را جدای از انقلاب اسلامی ایران نمی‌داند، حرکت جهاد اسلامی، خود را در واقع امتداد فکری و عملی انقلاب اسلامی ایران محسوب می‌کند (کدیور، ۱۳۷۲: ۲۱۴) جنبش جهاد اسلامی از فردای تأسیس رابطه‌ی نزدیکی با ایران برقرار ساخت، جمهوری اسلامی ایران نیز حمایت‌های معنوی اعم از فکری و ایدئولوژیکی و نیز مادی و لجستیکی از جنبش به عمل آورد. در آوریل ۱۹۹۳ فتحی شقاقی، دبیر کل جهاد اسلامی، در مصاحبه با New SDU آشکارا اعلام کرد که جنبش جهاد اسلامی از سوی ایران اسلامی حمایت می‌شود. (دارا و بهیارمقدم، ۱۳۸۸: ۱۳۳)

فتحی شقاقی، در خصوص تأثیر انقلاب اسلامی بر مبارزات مردم فلسطین می‌گوید: این انقلاب به ما فهماند که پیروزی ما در گرو پیروی از راه امام خمینی<sup>(۵)</sup> است؛ از همین رو، ناگهان در دیوار مسجد الاقصی و مساجد دیگر با تصاویر حضرت امام<sup>(۵)</sup> تزئین شد؛ انتفاضه یکی از ثمرات بیداری اسلامی است که امام خمینی<sup>(۵)</sup> در منطقه و به ویژه در فلسطین به وجود آورد، پس بر ماست که در مبارزه برای رهایی از تسلط و اشغالگری اسرائیل‌ها از تمام راه‌حل‌های دیگر پرهیز کرده و با توجه به اصولی که امام در مبارزه با اسرائیل ارائه کرده‌اند، با دشمنان اسلام و مسلمانان مبارزه کنیم (عباسی اشلقی، ۱۳۹۱: ۱۳۰).

در ذیل تأثیر جمهوری اسلامی ایران بر روند شکل‌گیری گروه جهاد اسلامی از ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد که به شرح زیر است:

#### الف. جهاد اسلامی و گفت‌وگو با واقع‌گرایی لیبرال

در این دوره ایران در راستای آرمان آزادی سرزمین فلسطین، صراحتاً مواضعی را با این هدف اعلام و اعمال می‌نمود، حتی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، چریک‌های ایرانی برای مبارزه با رژیم شاه جهت آموزش نظامی به اردوگاه‌های فلسطینی می‌رفتند. این امر ثلث سهم امام و خمس

و زکات صرف حمایت از جنبش فلسطین گردد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روابط ایران و اسرائیل بلافاصله قطع شد و سفارت سابق این کشور در اختیار فلسطین‌ها قرار گرفت. بدیهی بود که انقلاب اسلامی که یکی از آرمان‌های اصلی‌اش حمایت از مسلمانان جهان بود، مسالهی فلسطین را درصدد اهداف و منافع خود قرار دهد. مخالفت جمهوری اسلامی ایران با رژیم اسرائیل مبتنی بر این اعتقاد ایدئولوژیک و انسان دوستانه قرار دارد که اسرائیل دولت غاصبی است که سرزمین فلسطین را به‌عنوان بخش مهمی از سرزمین اسلامی اشغال نموده و موجب آوارگی فلسطینی‌ها و محنت فراوان آنان شده است (فریدونی و شهبازی، ۱۳۹۱: ۹۴). این دوره مقارن با گفتمان واقع‌گرایی است، با تمام اختلافاتی که بین دیدگاه‌های امام خمینی و پیروان انقلابی او از یک‌سو و دولت موقت و نیروهای میانه‌رو (واقع‌گرا) از سوی دیگر دیده می‌شد، مواضع آن‌ها در مخالفت با اسرائیل و حمایت از فلسطین تا اندازه زیادی همسو بود، در این همسویی، افزون از جانب‌داری مشترک آن‌ها از آرمان و حقوق ملت فلسطین، تلاش دولت موقت و میانه‌روها برای هدایت سیاست خارجی ایران در دشمنی با اسرائیل و کاستن از موج فزاینده‌ی احساسات و جهت‌گیری‌های ضد آمریکائی مؤثر بود (سینائی، ۱۳۸۶: ۱۶۳).

نام‌گذاری آخرین جمعه ماه رمضان به‌روز قدس و همبستگی با فلسطین نماد دیگری از همسویی انقلابی‌ها و دولت موقت انقلاب در حمایت از فلسطین بود، آن‌چنان‌که مهدی بازرگان اعلام کرد، نخستین بار وزارت امور خارجه دولت موقت بود که تعیین روز قدس را به رهبر انقلاب پیشنهاد داد. همچنین متن پیام رهبر انقلاب درباره‌ی اعلام روز قدس، سخنگوی وزارت امور خارجه در اختیار مطبوعات قرارداد (سینائی، ۱۳۸۶: ۱۶۵).

در سطح سازمان‌های بین‌المللی نیز ایران از مردم فلسطین حمایت نمود، جمال شمیرانی، نماینده‌ی ایران در سازمان ملل متحد همراه با ۴۱ کشور اسلامی عضو این سازمان از شورای امنیت درخواست کردند برای تحقق بخشیدن به حقوق انکارناپذیر فلسطینی‌ها اقدام لازم از جمله اعمال مجازات بین‌المللی را در دستور کار خود قرار دهند.

کریم سنجابی، وزیر امور خارجه در پیامی به یاسر عرفات بار دیگر حمایت خود را از مردم فلسطین اعلام داشت و قرارداد صلح مصر و اسرائیل را خنجری از پشت به ملت فلسطین دانست و گفت: ایران معتقد است هرگونه مذاکره و قراردادی بدون گرفتن کامل حقوق ملت ستمدیده‌ی

شما و بدون شرکت فعال سازمان آزادی‌بخش فلسطین در آن‌ها نتیجه‌ای جز افزایش وخامت و مخاطرات بین‌المللی برای صلح واقعی و اجرا در عدالت در منطقه ندارد (صدقی، ۱۳۸۶: ۱۳۵).

اصول سیاست خارجی ایران در این دوره عبارت‌اند از:

۱) پرهیز از آرمان‌گرایی، از جمله مخالفت با گروه‌های مدعی صدور انقلاب و سعی در داشتن دیری واقع‌گرایانه در سیاست خارجی.

۲) تلاش در جهت حفظ و تثبیت نظام تازه تأسیس.

۳) کوشش در جهت وصول به هدف مذکور از طریق همکاری با آمریکا.

۴) ارجحیت قائل شدن برای منافع ملی در تزاخم با منافع و مصالح اسلامی (رضایی، ۱۳۸۷: ۸۶) هدف اتخاذی دولت موقت، خدمت به ایران از طریق اسلام بود، در حالی که هدف امام خمینی، خدمت به اسلام از طریق ایران بود (ازغندی، ۱۳۸۹: ۷۸).

با توجه به این اصول و سیاست‌هاست که باید سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در گفتمان واقع‌گرایی را در قبال مردم فلسطین موردبررسی قرارداد، به صورت کلی، گفتمان دولت موقت در چارچوب سیاست تدریجی و ایجاد اعتماد میان ایران و قدرت‌های بزرگ، با حمایت و دفاع نیروهای انقلابی از ارزش‌های انقلابی و رهایی‌بخش در کشورهای تحت ستم، محتاطانه برخورد می‌کرد و اساساً سمت‌گیری سیاست خارجی ایران را در مساله‌ی صدور انقلاب و حمایت از نیروهای مردمی مخالف وضع موجود، در راستای منافع ملی کشور و سیاست آمیز محسوب نمی‌کرد، سیاست دولت موقت، عدم‌مداخله در کشورها و دوری گزیدن از هر نوع رفتار یا سیاستی بود که می‌توانست در این راستا تفسیر تا تحلیل شود، دولت موقت اقدامات رژیم اسرائیل را علیه ملت فلسطین محکوم می‌کرد و خواستار توجه به حقوق مردم فلسطین بود و در عین حال برخوردی انقلابی با این مساله نداشت (اشرفی، ۱۳۹۰: ۲۳۹).

#### ب. جهاد اسلامی و گفتمان آرمان‌گرای امت محور

امام خمینی<sup>(۵)</sup> به عنوان بزرگ‌ترین احیاگر اسلام در دوره‌ی معاصر درصدد توسعه و معرفی کانون‌های جدید مقاومت به‌منظور گسترش خود در برابر دگرهایی بودند که رویارویی با آن‌ها مستلزم بهره‌گیری از تمام امکانات امت و دولت‌های اسلامی و حتی تمام مستضعفان جهان

است. از این رو ایشان با انتخاب اسلام به‌عنوان برنامه‌های حرکتی خود تلاش کردند که قطرات پراکنده‌ی امت اسلام و مستضعفان جهان را حول محور اسلام به حرکت درآوردند (پورحسن و گودرزی، ۱۳۸۸: ۹۴)

در هشت سال جنگ عراق علیه ایران گفتمان هژمونیک حاکم شدیداً تحت تأثیر آموزه‌ها و دستورالعمل‌های شخص رهبری قرار داشت. بدین خاطر ضرورت پیدا کرده بود با دیدی تجدیدنظرطلبانه تمام مفاهیم اساسی در عرصه‌ی سیاست داخلی و روابط خارجی موردبازنگری و تعریف جدید قرار گیرند. ویژگی‌های اصلی این گفتمان هژمونیک انقلابی را طرفداران تحلیل گفتمان چنین دسته‌بندی می‌کنند: شالوده‌شکنی نظم و وضع موجود جهانی، تبلیغ و ترویج و اجرای احکام اسلام در داخل و کفر ستیزی و محو نظام‌های مستکبر و الحادی در سطح بین‌الملل، مبنا قرار دادن ایدئولوژی در عرصه امور داخلی و عرصه سیاست خارجی و به حاشیه راندن ملاحظات اقتصادی در روابط خارجی، نفی هر نوع آراء و افکار و تکاپوی ملی‌گرایانه و مادی‌گرایانه، ضرورت صدور انقلاب اسلامی و حمایت از مستضعفین و نهضت‌های ضد امپریالیستی جهان، جایگزین کردن واحد امت به جای دولت - ملت و استقبال از ایثار و شهادت در راه اسلام و انقلاب (ازغندی، ۱۳۸۹: ۱۸۷).

در این دوره گفتمان آرمان‌گرایی به سیاست خارجی ایران حاکم بود، این گفتمان معتقد است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید بر اساس آموزه‌ها و موازین اسلامی و تحقق آرمان‌ها، ارزش‌ها و احکام اسلامی تدوین و تنظیم و اجرا گردد. این گفتمان مهم‌ترین عضو هویت بخشی جمهوری اسلامی ایران را اسلام و انقلاب می‌پندارد مهم‌ترین نقش‌هایی که این هویت اسلامی - انقلابی برای جمهوری اسلامی در زمینه‌ی سیاست خارجی تعیین می‌کند عبارت‌اند از: «دولت انقلابی و تجدیدنظرطلب»، «عامل ضد استکبار و امپریالیسم»، «عامل ضد صهیونیسم»، «مدافع مسلمانان و مستضعفان»، «دولت رهایی‌بخش»، «حامی جنبش‌ها و نهضت‌ها» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۲۱۱). در رابطه با اصول ذکرشده، اصل حمایت از جنبش‌ها و نهضت‌ها قرار دارد از جمله نهضت‌هایی که در این دوره گفتمانی موردتوجه ایران و موردحمایت ایران بودند، گروه‌های اسلامی شکل‌گرفته در فلسطین می‌باشند و مساله‌ی فلسطین از مسائل اصلی سیاست خارجی ایران بود، با حمله‌ی عراق به ایران، ایده فلسطین تا حدودی به مساله‌ی فرعی

تبدیل شد، بازپس‌گیری خرمشهر در سوم خرداد ۱۳۶۱، ایران را از انفعال خارج و از نظر سیاسی - نظامی فعال کرد، به‌گونه‌ای که شعار حمایت از فلسطین و مستضعفان و ایده‌ی صدور انقلاب قوت گرفت و رسمی شد (حشمت‌زاده، ۱۳۸۶: ۷۴).

بنا بر دیدگاه دیگری، بعد از شروع جنگ تحمیلی نیز، امام خمینی<sup>(ع)</sup> همچنان از فلسطین و لبنان در مقابل اسرائیل دفاع می‌کردند و بر این نکته تأکید داشتند که بعد از رسیدن به حساب صدام به کمک آن‌ها در برابر اسرائیل و برای آزادی قدس، خواهند شتافت، امام در موسم حج نیز با ارسال پیام برای تمام مسلمین، برای مشکل فلسطین و لزوم حمایت از آن در برابر اسرائیل و بر به رسمیت شناختن اسرائیل تأکید می‌فرمودند (پاشاپور، ۱۳۸۱: ۵۷) در دوران جنگ ایران و عراق نیز حمایت از فلسطین نه تنها ضعیف نشد بلکه شدت هم گرفت. مخالفت با طرح صلح ریگان، طرح هشت ماده‌ای و اجلاس سران عرب در فارس و خط سازش بین کشورهای اسلامی و محکومیت حمله‌ی اسرائیل به جنوب لبنان، از مهم‌ترین موارد در این دوران بود (فریدونی و شهبازی، ۱۳۹۱: ۹۹).

آیت‌الله خامنه‌ای رئیس‌جمهور وقت ایران در پیامی درباره‌ی طرح هشت ماده‌ای عربستان در زمینه‌ی شناسایی اسرائیل و برقراری صلح در خاورمیانه که به طرح «هشت ماده‌ای فهد» معروف بود فرمودند: ما به آرمان فلسطین به صورت یک جزء اصلی از انقلاب خودمان نگاه می‌کنیم و هیچ طرحی را که در آن آرمان فلسطین آن‌چنان که شایسته است مراعات نشده باشد، قبول نمی‌کنیم و هر کس به فکر سازش با اسرائیل باشد او را خائن به آرمان فلسطین می‌دانیم، هرچند که خود شخص فلسطینی باشد (فریدونی و شهبازی، ۱۳۹۱: ۱۰۰).

به‌طور کلی اصول سیاست خارجی گفتمان آرمان‌گرایی امت محور به این شرح است:

- ۱) نفی مرزهای جغرافیایی موجود و ترسیم مرزهای ایدئولوژیک.
- ۲) برقراری تماس با ملت‌ها در راستای حمایت از مبارزات آزادی‌بخش، به‌جای تماس با دولت‌ها
- ۳) کوشش در جهت خوداتکایی و استقلال در کنار استکبارستیزی و نفی هرگونه سلطه
- ۴) گرایش به سیاست‌های انزوای طلبانه
- ۵) صدور انقلاب اسلامی و حمایت از مستضعفان جهان
- ۶) ارجحیت منافع و مصالح اسلامی بر منافع ملی کشور (رضائی، ۱۳۸۷: ۸۹).



بر اساس این اصول یادشده است که ایران اسلامی در گفتمان آرمان‌گرایی امت محور به حمایت از گروه‌های اسلامی در فلسطین می‌پردازد و در نتیجه میزان تأثیرپذیری گروه‌های فلسطینی از انقلاب اسلامی گسترده می‌شود.

### پ. جهاد اسلامی فلسطین و گفتمان آرمان‌گرایی مرکز محور

با آغاز انتفاضه‌ی اول در سرزمین‌های اشغالی، ملت ایران مانند همیشه همراه رهبر و دولتمردان خود از مبارزات آزادی‌خواهانه‌ی فلسطینیان حمایت و این نهضت را تأیید کردند و تا سر حد امکان به یاری آن شتافتند.

امام خمینی<sup>(ع)</sup>، فلسطین را فراموش نکردند و همانند روزهای آغازین مبارزه علیه رژیم اسرائیل موضع گرفتند و آمریکا و اسرائیل جهانی را تروریسم بالذات دولتی معرفی کردند و اسرائیل بزرگ را خیالی ابلهانه نامیدند، بدون تردید، با چنین مواضعی امام را می‌توان تنها رهبر بزرگ جهان اسلام نامید که تنها راه‌حل مسالمانه فلسطین را نابودی اسرائیل و آزادسازی فلسطین از طریق جهاد و مبارزه می‌دانست و در طی مبارزه، قبل و بعد از انقلاب، یک آن از این امر غافل نشد و یک قدم عقب‌نشینی نکرد (پاشاپور، ۱۳۸۱: ۵۸).

با آغاز انتفاضه‌ی اول در سرزمین‌های اشغالی، ملت ایران مانند همیشه همراه رهبر و دولتمردان خود از مبارزات آزادی‌خواهانه‌ی فلسطینیان حمایت و این نهضت را تأیید کردند و تا سر حد امکان به یاری آن شتافتند.

علی‌اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه در ۲۵ آذر ۱۳۶۶، در جمع سفیران و روسای نمایندگی‌های کشورهای اسلامی، طی سخنرانی ضمن اشاره به قیام همگانی مردم فلسطین و حمایت ملت ایران، جامعه‌ی کشورهای اسلامی، عربی و غیر متعهد جهان را به مبارزه‌ی همه‌جانبه علیه رژیم اشغالگر قدس خواند و افزود: مهم این است که کشورهای اسلامی برای مقابله با این توطئه چه تدابیری اندیشیده‌اند و آیا اساساً اعتقاد به مبارزه با اشغالگران اسرائیل و آزادی سرزمین‌های اشغالی مسلمین هنوز زنده است؟ آرمان فلسطین در این زمان بیش از هر زمان دیگر به از خودگذشتگی و اتخاذ مواضع انقلابی و برداشتن گام‌های عملی احتیاج دارد؛ یعنی در واقع پیروی از همان خطوطی که هم‌اکنون از سوی ملت مسلمان و تحت ستم فلسطین در سرزمین‌های اشغالی تعقیب می‌شود

(ولایتی، ۱۳۸۶: ۱۰۴).

سخنگوی جهاد اسلامی در فلسطین طی ملاقات با امام خمینی<sup>(ع)</sup> در آذرماه ۱۳۶۷ در رابطه با تأثیرپذیری انتفاضه‌ی فلسطین از انقلاب اسلامی ایران اظهار داشت: ملت ما اکنون بانام و یاد اسلام در یک مبارزه‌ای وارد شده است. ... انتفاضه‌ی اسلامی و مبارکی که در حال حاضر میهن اسلامی فلسطین شاهد و ناظر آن است، بارقه‌ای از نور و بازتابی از پیروزی‌های بزرگ انقلاب اسلامی شماسست، انقلابی که بزرگ‌ترین تحول را در عصر ما به وجود آورد (پورحسن و گودرزی، ۱۳۸۸: ۸۵).

### ت. جهاد اسلامی و دوران سازندگی

گفتمان عمل‌گرا یا مصلحت‌اندیش در دوران سازندگی در سیاست خارجی ایران به منزله‌ی هژمونیک رسید. عنصر محوری این گفتمان واقع‌بینی در تنظیم سیاست خارجی بر اساس اصول و ارزش‌های اسلامی است. به گونه‌ای که در عین احترام به آرمان‌های اسلامی در سیاست خارجی به مقدرات و محذورات ملی نیز توجه می‌کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۲۲۲).

گفتمان سازندگی از اوایل ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی و هم‌زمان با معاهده‌ی صلح اسلو آغاز می‌شود. در این دوره تحت تأثیر پاره‌ای از شرایط تا حدی از صراحت مواضع دولت ایران کاسته شد. اگرچه هدف تغییر نکرده و متوجه دفاع حق طلبانه از حقوق ملت فلسطین بود، اما استراتژی اعلام شده برای رسیدن به آن هدف تحت تأثیر شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی، تا حدی ملایم‌تر و پوشیده‌تر مطرح شد. بدین ترتیب که ایران موضع خود را احترام به خواست ملت فلسطین به شرطی که رفراندومی با حضور تمامی اقوام فلسطینی از جمله آوارگان فلسطینی برگزار گردد مطرح نمود، دولت سازندگی در صدد بود تا بدین وسیله تا حد ممکن از تنش‌های ممکن در منطقه و نظام بین‌الملل بکاهد ولی با اقداماتی که از سوی اسرائیل صورت گرفت از میزان نرمش و ملایمات ایران اسلامی در قبال مساله‌ی فلسطین و اسرائیل کاسته شد (فریدونی و شهبازی، ۱۳۹۱: ۱۰۶).

تحلیل روابط خارجی ایران با گروه‌های جهادی فلسطین در راستای نشان دادن حفظ اصول‌گرایی در سیاست خارجی دوران سازندگی است، در این دوران همچون گذشته روابط ایران با

دولت فلسطین (ساف) تیره بود، جمهوری اسلامی از طریق گروه‌های جهادی فلسطین سیاست خارجی خود را تنظیم می‌کرد، زیرا جانب‌داری یاسر عرفات از سیاست توسعه‌طلبانه‌ی صدام حسین در تجاوز به ایران و آمادگی وی برای پذیرش موجودیت رژیم اسرائیل، دو عامل مهم در تیرگی روابط ایران و ساف بود، ایران برای حمایت از مردم فلسطین، که در واقع ریشه‌های تاریخی آن را باید در واکنش به روابط حسنه‌ی ایران و اسرائیل در دوره‌ی پهلوی دوم جست‌وجو کرد، دست‌یاری به گروه‌های جهادی فلسطین علیه اسرائیل داده بود. انقلاب اسلامی که یکی از آرمان‌های اصلی‌اش حمایت از مسلمانان جهان بود، مساله‌ی فلسطین را در صدر اهداف و منافع خود قرارداد. گفته‌های وزیر خارجه ایران، دکتر علی‌اکبر ولایتی نیز مؤید آن است که «جمهوری اسلامی ایران، مساله‌ی فلسطین را مهم‌ترین مساله‌ی جهان اسلام می‌داند و چون گذشته از هیچ‌کمی نسبت به آن دریغ نخواهد کرد». از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران، رژیم اسرائیل نامشروع و جعلی است و اسرائیل غاصب باید نابود شود. در این راستا وزیر خارجه چنین اظهار می‌دارد: «نابودی اسرائیل و آزادی فلسطین از اهداف استراتژیک ایران است.» بر این اساس «تلاش ایران در عرصه‌های مختلف بین‌المللی بر محور تضعیف موقعیت بین‌المللی اسرائیل بوده است».

برای نمونه، تهران میزبان نمایندگان بیش از شصت کشور جهان برای بررسی راه‌های حمایت از انقلاب اسلامی فلسطین در روز ۲۷ مرداد ۱۳۷۰ بود. اجلاس تهران ضمن محکوم کردن طرح برگزاری اجلاس به اصطلاح صلح خاورمیانه‌ای مادرید، بر حمایت گسترده از انتفاضه و اقدام عملی کشورهای اسلامی برای آزادی فلسطین تأکید کرد. در این اجلاس سازمان‌های فلسطینی طی بیانیه‌ای مشترک، مخالفت شدید خود را با اجلاس آمریکایی صلح خاورمیانه اعلام کردند. (یعقوبی، ۱۳۸۷: ۱۷۰)

هاشمی رفسنجانی در مصاحبه با شبکه آمریکایی سی.بی.اس. گفت: «ایران با روند صلح در خاورمیانه مخالف است و ما در این مورد تنها نیستیم، روند جاری نه عادلانه است و نه موفقیت‌آمیز و مسائل مهمی چون آوارگان فلسطینی را مورد توجه قرار نداده است (فریدونی و شهبازی، ۱۳۹۱: ۱۱۰).

به‌طور کلی می‌توان گفت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران سازندگی در قبال مساله‌ی فلسطین و مقابله با اسرائیل ادامه‌ی سیاست خارجی نظام در دوران پیشین بوده، مضاف بر آن که با تحولات شرایط بین‌المللی و طرح خاورمیانه‌ای جدید از سوی شیمون پرز بر شدت مواضع

ایران افزوده شده است (یعقوبی، ۱۳۸۷: ۱۷۲).

### نتیجه گیری

با توجه به نظریه‌ی بحران هویتی دکمچیان که بر اساس آن کشورهای مسلمان به دلیل عدم کارآمدی جبهه‌ی کمونیسم و لیبرالیسم از آن‌ها روی گردان شده و با پیروزی انقلاب اسلامی ایران با رویکرد اسلامی به اسلام به عنوان ایدئولوژی قابل رویکرد عملی روی آوردند و اسلام را به عنوان مبنای اقدامات خود قراردادند و در این مسیر انقلاب اسلامی ایران را الگوی خود قرار دادند و به آن اقتدا کردند، از جمله گروه‌هایی که با تأثیرپذیری مستقیم انقلاب اسلامی ایران در منطقه شکل گرفتند، گروه جهاد اسلامی در فلسطین می‌باشد، گروه جهاد اسلامی با توجه به شواهد و اسناد موجود و بیانات خود پایه‌گذاران آن، مستقیماً تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران شکل گرفته است و با توجه به مطالعاتی که در اسناد و کتاب‌ها صورت گرفته نتیجه‌ای که در این مقاله حاصل شده است این که جهاد اسلامی از فرآیند شکل‌گیری تا زمان سازندگی در ایران، به نوعی هماهنگ با سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران بوده و ایران اسلامی، از زمان شکل‌گیری جهاد اسلامی تا دولت سازندگی، تأثیرگذاری گسترده‌ای را بر این گروه داشته است. با تمرکز که در بیانات رهبران انقلاب اسلامی صورت گرفته و با نگاهی که به تاکتیک‌های ریاست جمهوری‌های انقلاب اسلامی ایران شده است، حاصل این که در دولت قبل از هاشمی رفسنجانی ریاست جمهوری کاملاً بر محو اسرائیل و شکل‌گیری حکومتی مردم با محوریت بیت‌المقدس بود در دوران هاشمی رفسنجانی هم نوع نگاه به اسرائیل خیلی با دوران قبل تفاوت نداشت نسبت به دوران قبلی تعدیل‌تر شده بود ولی مثل دوران اصلاحات نبود، در دوران اصلاحات دولت خاتمی سعی کرد که بر تنش‌زدایی تأکید کند و با روند دموکراتیک وضعیت مردم فلسطین و اسرائیل حل شود ولی در این دوره بود که ایران از طرف کشورهای غربی به عنوان محور شرارت نام‌گذاری شد و دولت اسرائیل به این اصل پایبند نشد و اینجاست که موضع دولت خاتمی از آن حالت اولیه خود در قبال اسرائیل روی گردان شد و موضعی تهاجمی‌تر را در قبال اسرائیل در پیش گرفت، در دولت اصول‌گرایی که دولت بر محو کامل اسرائیل تأکید داشت، سیاست تهاجمی در قبال اسرائیل در پیش گرفته شد، در همه‌ی دولت‌ها رابطه بین گروه‌های فلسطینی و دولت‌های حاکم وجود داشته است ولی این رابطه با توجه به جبهه‌گیری کمتر و گسترده‌تر می‌شد.

### منابع فارسی

- ابو عمرو، زیاد (۱۳۷۳)، *جنبش اسلامی در کرانه غربی و نوار غزه*، ترجمه حسن خامه‌یار، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۹)، *چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر قومس.
- اشرفی، مرتضی (۱۳۹۰)، *تحول گفتمان توسعه در جمهوری اسلامی ایران*، قم: وحدت‌بخش.
- امینی مقدس، ابوالحسن (۱۳۷۸)، «تأثیر دینی انقلاب اسلامی بر ادب انتفاضه»، *فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، شماره ۴۸.
- پاشاپور، یوالاری (۱۳۸۱)، *امام خمینی و انتفاضه‌ی فلسطین*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- پورحسن، ناصر و طاهره گودرزی (۱۳۸۸)، «امام خمینی<sup>(ع)</sup> و مقاومت اسلامی»، در: *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی مقاومت اسلامی*، تهران: دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی.
- پورقیومی، ایوب (۱۳۸۸)، «درس‌ها و پیامدهای مقاومت مردمی در جنگ ۲۲ روزه غزه»، *فصلنامه مطالعات بسیج*، شماره ۴۴.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶)، *انقلاب اسلامی ایران*، قم: دفتر نشر معارف.
- حشمت زاده، محمدباقر (۱۳۸۶)، *ایران و فلسطین: جهت و ابعاد تعامل*، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- خسروشاهی، سیده‌ادی (۱۳۷۵)، *حرکت اسلامی فلسطین*، تهران: انتشارات اطلاعات.
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۳)، *فلسطین از دیدگاه امام خمینی<sup>(ع)</sup>*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>(ع)</sup>.
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۵)، *صحیفه امام*، ۲۱ جلد، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>(ع)</sup>.
- دارا، جلیل و سیدرزاق بهیارمقدم (۱۳۸۸)، «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های اسلامی؛ مورد مطالعاتی جهاد اسلامی» در: *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی مقاومت اسلامی*،

- تهران: دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی.
- دکمچیان، هر ایر (۱۳۶۶)، *جنبش‌های اسلامی در جهان عرب*، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۹۱)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سمت.
- رضایی، علیرضا (۱۳۸۷)، «تیین دوره‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر تئوری‌های روابط بین‌الملل»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۴۷.
- سینائی، وحید (۱۳۸۶)، *ایران و مساله فلسطین به‌سوی سیاستی واقع‌گرا و یکپارچه*، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه‌ی علوم انسانی.
- صدقی، ابوالفضل (۱۳۸۶)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از آغاز تا ۱۳۶۸*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عباسی‌اشلقی، مجید (۱۳۹۱)، «بازتاب‌های معناگرایانه انقلاب اسلامی ایران بر اسلام‌گرایی در خاورمیانه»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۶۲.
- غفاری‌هشجین، زاهد (۱۳۹۱)، «نقش جنبش‌های اسلامی در تقویت هویت اسلامی در عرصه‌های جهانی شدن با تأکید بر جنبش‌های اسلامی فلسطین»، *فصلنامه دانش سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۱.
- فریدونی، احمد و نسیمه شهبازی (۱۳۹۱)، *جایگاه فلسطین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- کدیور، جمیله (۱۳۷۲)، *انتفاضه: حماسه‌ی مقاومت فلسطین*، تهران: انتشارات اطلاعات.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۵)، «جمهوری اسلامی و تحلیل گفتمان‌های سیاست خارجی»، *فصلنامه زمانه*، شماره‌های ۵۴ و ۵۳.
- متقی، ابراهیم و زهره پوستین‌چی (۱۳۹۰)، *الگو و روند در سیاست خارجی ایران*، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۵)، *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه دینی.
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۴)، تأثیرات منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی ایران، *فصلنامه*

\_\_\_\_\_ تأثیر جمهوری اسلامی ایران بر شکل‌گیری گروه جهاد اسلامی در فلسطین ◇

*مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۱.

- نوازی، بهرام (۱۳۸۸)، *صدور انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدهای بین‌المللی آن*، تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.

- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۶)، *جمهوری اسلامی ایران و تحولات فلسطین*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

- یعقوبی، سعید (۱۳۸۷)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران سازندگی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

### English Source

- Zuhur, Sherifa (2008), *Hamas and Israel*, New York: United States Publication.

